

شبکه لابی رژیم ایران و پروژه هسته ای

تهیه و تدوین: حسن داعی

hassan.dai@yahoo.com



دراولین روزهای سال جدید و بدبنال تصویب دومین قطعنامه تحریم شورای امنیت علیه ایران، خانم "شیرین عبادی" در مقاله ای که در برخی از نشریات اینترنتی منتشر گردید راه حل نوینی برای حل مسئله اتمی ایران و کاهش درگیری با غرب توصیه نمود. وی در مقاله خود با عنوان "رفراندوم هسته ای" نوشت:

«وضعیت پرونده هسته ای ایران، به تدریج ابعاد خطرناک تری می باید. سرنوشت این پرونده، از آنجایی که بر زندگی اقتصادی و اجتماعی میلیون ها ایرانی تأثیر مستقیم می گذارد، به تمامی فعالان حقوق بشری ایران مربوط است. فعالانی که به نظر می رسد در این مقطع حساس، بایستی بکوشند تا پیش از هر چیز، تکلیف یک نکته اساسی را روشن کنند: این که مردم ایران، به راستی در ارتباط با پرونده هسته ای، چه می خواهند؟ البته به این سوال، تا کنون به لحاظ تبلیغاتی پاسخ های مختلفی داده شده، پاسخ هایی که "مستندات" آنها، تظاهرات خیابانی در مناسبت های رسمی، نظر سنجی های اینترنتی و امثال آنها را شامل می شده است. اما آنچه برای فهمیدن خواست مردم ایران معتبر خواهد بود، نه اقدامات سیاسی و تبلیغاتی، که رویکردی است که به لحاظ "حقوقی" قابل استناد باشد. پیشنهاد مشخصی که در این ارتباط قابل طرح به نظر می رسد، یک رفراندوم است. رفراندومی که شرایط برگزاری و نحوه اجرای آن، به لحاظ حقوقی قابل دفاع، و نتایج آن، غیر قابل خدشه در سطح افکار عمومی داخل و خارج باشد. ... از آنجا که دولت ایران مدعی است که سیاست های هسته ای آن، همچون ملی کردن صنعت نفت در زمان مرحوم دکتر مصدق، مورد تأیید اکثریت مردم ایران قرار دارد، اقدامی که به جهانیان این ادعا را به لحاظ حقوقی اثبات کند، مورد استقبال قرار دهد.»¹

آنطور که از نوشته ایشان برداشت میشود، گویا برخی از افراد یا جریانات سیاسی و همچنین دولت ایران، با تبلیغات، تظاهرات خیابانی و دیگر اقدامات سیاسی، در صدد القاء این مسئله اند که اکثریت ملت ایران از سیاست های هسته ای رژیم حمایت میکنند. خانم شیرین عبادی این ادله را به لحاظ حقوقی محکمه پسند ندانسته و ادعای رژیم ایران را به چالش گرفته است.

با اینحال آنچه مایه شگفتی و البته سوال برانگیز است مجموعه فعالیت ها و مواضع ایشان طی دو سال گذشته در مورد برنامه هسته ای رژیم ایران است که با نوشته و اظهار نظر بالا در تضادی آشکار قرار دارد. وی در مقاله ای که سال گذشته در معتبرترین رسانه های جهان منعکس گردید چنین بیان داشته است:²

«برای حل مسئله هسته ایران نباید به تهدید نظامی یا ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت متوسل شد زیرا در حالیکه اکثریت ملت ایران با تندروهای ایران مخالف بوده و خواهان برکناری آنان هستند، با اینحال همین اکثریت عظیم مردم از برنامه هسته ای رژیم حمایت میکنند زیرا گذشته از به صرفه بودن اقتصادی آن، این برنامه هسته ای تبدیل به دلیلی برای غرور یک ملت با تاریخی پرافتخار گردیده است... بجز یک رژیم دست نشانده توسط غرب، هیچ رژیمی با هر گرایشی در ایران جرئت متوقف کردن برنامه انرژی هسته ای ایران را ندارد.»

این مقاله را خانم عبادی مشترکاً با فردی بنام "محمد سهیمی" نوشته است. نامبرده کسی است که در فوریه امسال به همراه "مسعود بهنود" و "فرخ نگهدار" در باره سیاست های اتمی رژیم و چشم انداز جنگ به سخنرانی در کالیفرنیا پرداخت. مسعود بهنود گزارش این جلسه را برای خبرگزاری رژیم موسوم به "انتخاب"، چنین توصیف میکند:

«باید گفت این جا یکی از پرشورترین جلسات بود و حساسیت زمانی باعث شده بود که ایرانیان مقیم لوس آنجلس با علاقه ای بسیار خود را به دانشگاه رسانده بودند. تشویق و ابراز علاقه شان به بعضی از سخنرانان فوق العاده بود. وقتی دکتر سهیمی تاکید کرد که ایران را نمی شود از حلقه در مورد فن آوری هسته ای محروم کرد و وقتی آقای نگهدار با تاکید بر وزن و قدرت ایران، روابط تهران و واشنگتن را از دیدگاه سیاسی مورد بحث قرار داد و زمانی که هوشنگ امیراحمدی نگرانی های خود را بابت تأثیر تندروهای دو سوی اقیانوس در سرنوشت ایران بیان داشت، تشویق و تائید نزدیک به پانصد تن حاضران دینی بود.» (خبرگزاری انتخاب، ۲۱ بهمن ماه ۱۳۸۵)

مجموعه فعالیت های خارج از کشوری خانم شیرین عبادی در دو سال گذشته، منجمله ایراد سخنرانی در کنار مسئولان درجه اول شبکه لابی رژیم ایران در خارج از کشور نیز پیامی به همین مضمون، یعنی حمایت از برنامه های هسته ای رژیم داشته است. نگران کننده ترین خصوصیت مقاله ایشان در اینجاست که اهداف لابی ضد جنگ رژیم ایران را که در گزارش قبلی به آن اشاره شد، بطور کلی و در بست مورد تأیید قرار میدهد. در این مقاله کوتاه، ایشان هم مدعی صلح آمیز بودن این پروژه میباشد و آنرا از نظر اقتصادی ضروری و مقرون به صرفه میداند و از همه مهمتر، با تکیه بر "حق مسلم ایران" این برنامه را مورد حمایت اکثریت مردم ایران نیز معرفی میکند. ضمناً ریشه دعوا را به "برخی محافل در آمریکا" ربط داده اند که ترجمه اش همان اسرائیل و لابی آن کشور است.

"احمد شیرزاد"، نماینده سابق مجلس و یکی از رهبران اصلاح طلبان حکومتی، در سخنرانی مهمی که در اسفند ماه سال ۱۳۸۵، یعنی چند ماه پیش ایراد نمود، نکته جالبی را در مورد "مقرون به صرفه بودن برنامه اتمی ایران" و همچنین موضوع "حق مسلم" بیان داشته است. وی به دعوت انجمن اسلامی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، در این دانشکده سخن می گفت:

«من سئوالم این است که این همه هزینه دادن به خاطر چیست. اصلاً از ابتدا چه کسی در جریان این مسایل و این پروژه ها بود؟ من به شما می گویم هیچ کدام از مجالس اول تا ششم که ما بودیم در جریان این پروژه ها نبودند و هیچ نوع شفافیتی وجود نداشت، آنوقت چگونه انتظار دارید در یک فرایند عقلانیت وجود داشته باشد. وی افزود: "مجلس ششم خیلی تحقیق کرد و در نهایت به اینجا رسیدیم که در مورد پروژه های هسته ای ایران تنها یک گزارش تخصصی در سازمان انرژی اتمی ایران وجود دارد که آنهم گزارش یک کارمند لیسانسیه این سازمان است که در این گزارش تولید برق هسته ای توصیه می شود، در حالی که در تمام ادله هایی که در این گزارش آمده، دستکاری شده است.»³

غرض از انتشار بخش کنونی از این گزارش تحقیقی، بحث در باره نظرات خانم عبادی یا یافتن مواضع نادرست و ضد و نقیض در فعالیت های ایشان نیست. هدف اصلی از نگارش این مقاله، بررسی شبکه لابی رژیم ایران در خارج از کشور برای پیشبرد سیاست های خود بمنظور دستیابی به "سلاح هسته ای" است. در حقیقت، مسئله اساسی در پروژه هسته ای رژیم و ریشه نزاع بین ایران و جامعه بین المللی نیز همین ماهیت برنامه های رژیم است. بنابراین، قبل از آنکه به گفته خانم شیرین عبادی، از خواست و نیات مردم ایران صحبت شود، باید مقاصد واقعی رژیم از برنامه هسته ای را روشن کرد و سپس نظر مردم را جویا شد. آیا آنطور که برخی و منجمله خود ایشان ادعا میکنند، این برنامه ها برای تأمین برق و دیگر مایحتاج مردم و مملکت یا نیازهای صلح آمیز رژیم است یا اینکه قصد اصلی حاکمان ایران دستیابی به "بمب اتمی" است که بخاطر آن مال و هستی مملکت را به حراج گذاشته اند.

ضرورت پاسخ به این سوال نیز در اینجاست که اگر رژیم ایران بدنبال سلاح هسته ای باشد، طبیعتاً اثرات درازمدت و اجتناب ناپذیر آن بر آینده کشور بطور اساسی با پروژه صلح آمیز هسته ای متفاوت خواهد بود. بعنوان مثال، بسیار محتمل است که داشتن سلاح اتمی، عمر حاکمیت این رژیم را اضافه کند. پر واضح است که در این حالت، بسیاری از مردم ایران، عطای این "افتخار تاریخی" را به لقای آن ببخشند.

ضمن اینکه به ادعای بسیاری از صاحب نظران، دستیابی به سلاح هسته ای، رژیم ایران را در ادامه نقض حقوق بشر گستاخ تر نموده و روند پایداری کردن آزادی های حداقل اجتماعی شدت بیشتری خواهد یافت. از همین رو، بسیاری از آگاهان سیاسی، جلوگیری از اتمی شدن رژیم ایران را در راستای مبارزات حقوق بشری میدانند. برخی کارشناسان نیز بر این باورند که با دستیابی ایران به سلاح اتمی، منطقه خاورمیانه وارد مسابقه تسلیحاتی در مدار بالاتری خواهد شد که دود آن قبل از همه به چشم مردم ایران میرود. چنین چشم اندازی آنهم در حوزه نفت خیز خلیج فارس و مهمترین کانون انرژی جهان یعنی منطقه خاورمیانه، طبیعتاً مورد استقبال کشورهای بزرگ غربی نبوده و اگر برای جلوگیری از آن و مهار ماجراجویی اتمی رژیم، راه حل نظامی بعنوان آخرین حربه را بکار گیرند، قدر مسلم مردم ایران اولین قربانیان آن خواهند بود.

بنابراین در صورتیکه رژیم ایران قصد دستیابی به سلاح هسته ای داشته باشد که قرائن نیز دال بر همین فرضیه است، طبیعتاً نمی توان جانب رژیم را گرفت و بایستی بخاطر آینده خطرناکی که در انتظار مردم ایران است به مقابله یا حداقل افشای این ماجراجویی خطرناک پرداخت. البته یکنوع برخورد نیز ایفای نقش مشاور کلاهبردار و دادن روحیه به رژیم است که نمونه واضح آنرا میتوان در مصاحبه اخیر "مسعود بهنود" مشاهده نمود:

«سایت خبری انتخاب: به نظر می رسد تنش هسته ای ایران به شورای امنیت واگذار می شود، روند این داستان را چگونه ارزیابی می کنید

مسعود بهنود: به نظرم می رسد یکی از راه حل های موجود اینست که ایران در حالی که نمایش مصلحت اندیشی، میانه روی می دهد و از ضرایب ارتفاع شعارهایش کم می کند و افکاری مثل جناب احمدی نژاد را که برای حل مسئله داخلی با پرونده خطرناکی مثل پرونده هسته ای بازی می کنند را به گونه ی کنترل می کند، همزمان با موارد فوق، خویش را نیز آماده کند برای اینکه تصمیم بر علیه ایران هرچه دیرتر در مجمع عمومی جهانی گرفته شود. تا هرچه ممکن است دیرتر این اتفاق حادث شود.

بنابراین جمهوری اسلامی باید سعی کند که در این مرحله این قضیه شامل مرور زمان شود، بلکه شرایط جهانی در این فاصله، مانند باخت جمهوری خواه ها در انتخابات میان دوره ای، باخت دولت کارگری انگلیس در صحنه ی داخلی، فشار برای مذاکره با ایران به دلیل مناقشات عراق و هزاران حادثه ی نیامده ی دیگر که نمی توان آن را پیش بینی کرد بتواند کمکی به حل این موضوع کند، دنیا دنیای ثابت و بقولی فیکس نیست.

دنیا، دنیایی است که هنوز بعضی از دیوانگان مانند قذافی، یونگ ایل و... در آن زندگی می کنند، بنابراین هرآن ممکن است که در این دنیا حادثه ای بوجود آید که باعث کنار زدن پرونده ی هسته ای ایران از میز مربوطه شود، هیجان آن را تقلیل دهد و امکان دهد که ایران با سیاست ورزی بهتری حداقل خطای سال پیش خود را را ببوشاند»¹⁸

اگر امیال افسارگسیخته رژیم ایران در جهت دستیابی به سلاح هسته ای را نه یک فرض قطعی که فقط محتمل در نظر بگیریم، با چنین چشم اندازی که برای ملت ایران بجز نکبت و بدبختی بیشتر چیزی در بر نخواهد داشت، در اینصورت آیا باز هم میتوان مانند خانم عبادی با فراغ بال در سخنرانی های مختلف به جهانیان تضمین داد که ایران قبل از دستیابی به "بمب"، صاحب یک حکومت دموکراتیک خواهد شد و جای هیچ نگرانی برای دنیای غرب و برای مردم ایران وجود ندارد:

«بر اساس آخرین برآوردهای اطلاعاتی آمریکا، 6 تا 10 سال به دستیابی ایران به بمب اتمی مانده است. به بیان دیگر، چیزی بنام بحران بر سر برنامه هسته ای ایران اصولاً وجود خارجی نداشته و ساخته و پرداخته برخی از گروههای صاحب منفعت در آمریکاست. باندازه کافی در ایران فرصت هست تا قبل از دستیابی به بمب، رژیمی دموکراتیک بر سر کار بیاید.» (همان مقاله)

با مقایسه ای که ایشان بین دوران خاتمی و دوره کنونی میکند، منظور ایشان از "رژیم دموکراتیک" که همان "اصلاح طلبان" حکومتی است بیشتر روشن میشود. ایشان به تفصیل در باره شفافیت برنامه های هسته ای ایران در دوران خاتمی بحث نموده و نتیجه میگیرد که با بازگشت نامبردگان به حکومت، جای هیچ نگرانی وجود نخواهد داشت. در مصاحبه ای که ایشان در سوم ماه می 2006 با رادیوی سراسری آمریکا بنام NPR نیز داشت، همین موضوع را بروشنی تکرار نمود.

معلوم نیست منظور ایشان از "شفافیت" در دوران خاتمی چیست. همانطور که اسناد علنی سازمان بین المللی انرژی اتمی بخوبی نشان میدهد، برنامه هسته ای ایران تا آگوست 2002 غیر شفاف و کاملاً مخفی بود. دعوی جامعه بین المللی با رژیم ایران نیز از همین تاریخ شروع شد و ربط دادن آن با سال 2003 یا ظاهر شدن علائم شکست خاتمی قابل توضیح نمی باشد. ضمن اینکه دولت ایران اخیراً با ارسال نامه ای به مقامات آژانس بین المللی اتمی، دلائلی برای این مخفی کاری عرضه کرده است. بنابراین اصرار خانم عبادی بر شفافیت دوران خاتمی و اطمینان بخشی به دنیای غرب، معقول بنظر نمی رسد. (لطفاً به لینک های 6، 7 و 8 مراجعه شود)

از طرف دیگر، برای اکثر کسانی که مسائل هسته ای ایران را دنبال میکنند بخوبی واضح است که این برنامه تحت نظر "رهبر نظام" و "سپاه پاسداران" قرار دارد و در بهترین حالت، "اصلاح طلبان" فقط مجریان سیاست های باند خامنه ای خواهند بود. "عباس عبادی"، این نکته را بخوبی توضیح داده است: (مقاله چگونه میتوان مانع جنگ شد، 24 بهمن 85، سایت امروز)

«برخی از اصلاح طلبان بازگشت به سیاست های پیشین هسته ای (دولت قبلی) را توصیه می کنند، گویی که دولت قبلی در این سیاست استقلال رأی داشت، که اگر چنین است، چرا در عرصه داخلی چنین استقلال رأی را از خود نشان نمی داد. به علاوه دولت پیشین همواره مدعی بود که در سیاست هسته ای پیرو رهبری نظام است، و طبیعی است که رهبری نظام نیز کماکان چنین نقشی را عهده دار است و دولت جدید حتی بیش از قبلی ها بر این پیروی اصرار دارند. بنابراین چنین گزاره های بیش از آن که حل مسأله باشد، نوعی شعار برای کسب وجهت سیاسی است. و اگر دولت قبلی هم بود دیر یا زود با همین سرنوشت مواجه بود، مگر آنکه میخواست خارج از چارچوب سیاست های کلی نظام و رهبری عمل کند.»

نکته دیگری که در مقاله خانم شیرین عبادی به چشم میخورد، تکرار ادعاهای لابی رژیم در خارج از کشور است که اصولاً ریشه دعوی بین ایران و غرب را نه در مخفی کاریهای رژیم ایران و سیاست های پیشین آن در صدور تروریسم و بحران، بلکه ناشی از توطئه های محافل ذینفع در غرب میدانند. "فواد صادقی"، نویسنده سایت **بازتاب**، این دیدگاه را بازگوکننده نظرات رژیم ایران میدانند. وی در مقاله ای که به مقایسه بین سیاست های "حسن روحانی" با "احمدی نژاد" پرداخته است اینطور میگوید:

«گروه مدافع این دیدگاه که بیشتر روایت کننده تفسیر رسمی نظام از پرونده هسته ای است، عامل وضعیت فعلی پرونده هسته ای را در خارج از کشور می داند. از این منظر، علت اصلی طرح و بحرانی شدن پرونده هسته ای ایران، نه عملکرد دیپلماسی ما، بلکه خصومت آمریکا و اسرائیل با نظام است.» (بازتاب، 27 دیماه 1385)

در پایان مقاله نیز خانم عبادی به تکرار تهدید های رژیم می پردازد که اگر پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت برود، دست به اقدامات خطرناکی خواهد زد. از اینرو به دنیای غرب توصیه میکند که از ارجاع پرونده ایران به این شورا پرهیز نماید:

«ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت و اعمال تحریم علیه ایران باعث این میشود که تندروان ایران از معاهده NPT و پروتکل الحاقی خارج شوند. آیا جهان برای زیست با چنین چشم انداز وحشت انگیزی آمادگی دارد؟»

در باره این "چشم انداز وحشتناک"، **مصطفی تاجزاده** از سخنگویان دولت خاتمی در مناظره ای که با **الیاس نادران** از سپاه پاسداران رژیم داشت، چنین میگوید:

مگر شعار نمی دادند نه سازش، نه تسلیم، خروج از ان پی تی. پس کو؟ الان که همه مملکت در دست شماست، چرا آن ادعاها را عملی نمی کنید؟ مگر نگفتید در صورتی که شورای امنیت قطعنامه علیه ما صادر کند، از ان پی تی خارج می شویم. چرا خارج نشدید؟ نه تنها از ان پی تی خارج نشدید، بلکه مفاد پروتکل را که هنوز ایران امضا نکرده است، بیش از دوره اصلاح طلبان رعایت می کنید. تعداد و سطح مقامات و کارشناسانی که در یکسال و نیم اخیر مورد سوال قرار گرفته اند، بازرسان آژانس در دوره آقای خاتمی آنها را مورد پرسش قرار ندادند. روشن است که چون این بازرسی ها و بعضاً بازرسی ها علنی انجام نمی شود و مطبوعات نیز مجاز نیستند به بحث در این زمینه بپردازند، کسی در این مورد چیزی نمی گوید. ولی فکر می کنند پنهان است. در آینده همه چیز معلوم خواهد شد.⁵

بمب یا برق

سعید لیلاز، کارشناس اقتصادی وابسته به رژیم، موضعگیری جالبی در مورد پیشرفت های اتمی حکومت داشته است که به طولانی بودن بیست و چند ساله آن اشاره میکند. "لیلاز" بمناسبت شوی تبلیغاتی رژیم تحت عنوان "جشن هسته ای"، از باند احمدی نژاد گله کرده است که چرا افتخار دستیابی به چنین دستاورد بزرگ ملی و تاریخی را فقط به حساب خود گذاشته و دیگران مثل خاتمی و رفسنجانی را فراموش کرده اند:⁴

«اگر این پروژه بزرگ ملی امروز به بهره برداری می‌رسد و توفیق درو کردن محصول سیاسی آن نصیب دولت جدید شده است، نقطه آغازین آن به ۱۸ سال قبل و زمانی برمی‌گردد که دولتهای این ۱۸ سال بعضاً برای تامین نان مردم گرفتار می‌شدند، اما اولویت ادامه این طرح در نهایت مظلومیت و سکون را لحظهای کنار نگذاشتند. اگر سهم دولت کنونی بریدن رویان این طرح غرورآفرین است، این نخستین بار سیدمحمد خاتمی بود که در اسفند سال ۱۳۸۱ طرح غنی‌سازی سوخت هسته‌ای و دستاوردهای آن را علنی کرد. به بار نشستن میوه‌های این درخت در دولت نهم، ریشه در اعماق خاکی دارد که در دولت میرحسین موسوی به ریاست جمهوری مقام معظم رهبری کاشته شد و در بحرانی‌ترین روزهای تاریخ انقلاب، دولت اکبر هاشمی‌رفسنجانی لحظهای از توجه به آن غفلت نورزید.»

سماجت بی سابقه رژیم در دنبال کردن این پروژه به قیمت زدن از نان و آب مردم و هزینه گزاف سیاسی، اقتصادی و نظامی که حاضر است برای حفظ آن پرداخت کند، خود بخوبی گویای ماهیت این پروژه است. با اینحال برای روشن شدن هدف اصلی رژیم، به چند نکته اشاره میکنیم. مهمترین فاکتی که ماهیت کاملاً نظامی این برنامه را روشن میکند، سخنانی است که بین دو تن از مقامات رژیم یعنی مصطفی تاجزاده و الیاس نادران در حین مناظره ای در آذر ماه سال گذشته در دانشگاه گرگان رد و بدل شده است. "الیاس نادران" نماینده دو دوره مجلس و از بالاترین مسئولان سپاه در دوران حیات رژیم بوده است. نقش "تاج زاده" در داشتن مسئولیت های مهم در طول سه ده از حیات رژیم نیز بر همگان روشن است. **در طی این مناظره، هردو شرکت کننده به آشکارترین شکل ممکن به ماهیت "نظامی" برنامه هسته ای ایران اشاره کرده اند.** در بخشی از این مناظره این اظهارات رد و بدل شده اند:⁵

الیاس نادران: ... ولی در مجموع فناوری‌های جدید، یکی از مهمترین آنها فناوری هسته‌ای است چه از لحاظ ایجاد انرژی و چه از لحاظ آرایش قدرت که در آینده به‌طور حتم یکی از پایه‌های قدرت ما خواهد بود
بنابراین انرژی هسته‌ای از دیدگاه‌های متفاوت برای کشور مهم است و ضرورت دارد، یعنی از دیدگاه‌های اجتماعی، سیاسی و یا نوع توازن قدرت که در منطقه یا فراتر از آن ایجاد خواهد کرد.... اگر ما روزی بتوانیم نیروگاه بوشهر را به اتمام برسانیم این نقطه، نقطه قوت ما در خلیج‌فارس خواهد بود و **احدی جرات جسارت به ما را نخواهد داشت.**
بحث ما هم در مورد غنی‌سازی و تکمیل چرخه سوخت است وگرنه بوشهر چیزی ندارد که بر سر آن دعوا کنیم. هدف ما تولید سوخت هسته‌ای است.

تاج زاده: این چه حرفی است که آنچه دست بالا را در توازن قوا در منطقه به ما می‌دهد، غنی‌سازی اورانیوم است. دیگران می‌توانند از این سخن برداشت کنند که منظور گوینده صنایع صلح‌آمیز هسته‌ای نیست. بلکه مقاصد دیگری در نظر دارند که می‌تواند توازن قوا را در منطقه به سود ایران تغییر دهد. این سخنان تحریک‌آمیز که فقط انتظارات جامعه را افزایش می‌دهد، زیان زیادی خواهد داشت.
الیاس نادران: (اشاره به سند برنامه چهارم که قبلاً توسط اصلاح طلبان منتشر شده بود) من جمله‌ای را (از این سند) می‌خوانم: «اگرچه ایران توانسته به دست آوردهای نظامی، تهاجمی، موشکی، هسته‌ای دست یابد ولی به دلیل حضور آمریکا...»

(در اینجا نادران رو به تاج زاده کرده و از وی می‌پرسد) آیا این اعتراف به داشتن بمب اتمی در سند رسمی دولت اصلاحات خیانت هست یا نیست؟ به علاوه چه کسی چراغ سبز نشان داد که ما چه کار می‌کنیم؟⁵

گذشته از اعترافات صریح "تاج زاده" و "الیاس نادران"، دلایل دیگری نیز دال بر نظامی بودن برنامه هسته ای ایران و تلاش رژیم برای دستیابی به یکنوع بیمه عمر وجود دارند. بجز وابستگی به لابی رژیم، اکثریت قریب به اتفاق تحلیل گران مسائل ایران، با تکیه بر عملکرد کلی رژیم در طول سه دهه گذشته که طی آن به تاراج و حراج هست و نیست مملکت پرداخته است، این سماجت را فقط برای دسترسی به "سلاح هسته ای" میدانند.

در این قسمت از گزارش، برای بستن موقت این بحث، به استدلالاتی برخی از سیاستمداران مورد اعتماد و یکی از همفکران طیف خانم شیرین عبادی نگاه میکنیم. یکی از جالبترین تحلیل‌هایی که در این زمینه نگاشته شده، مقاله کوتاهی از دکتر ابراهیم یزدی است که چند ماه پیش خطاب به خامنه‌ای نوشته است. ایشان در پاسخ به این استدلال که ذخائر نفت ایران رو به پایان است و از همین رو باید به فکر انرژی جایگزین بود، به پوشالی بودن این استدلال و دروغ بزرگ رژیم اشاره کرده است: (سایت میزان، 5 اسفند 1385)

پایان ذخائر نفت و گاز و انرژی هسته‌ای ایران

1- مقام محترم رهبری در اجتماع مردم آذربایجان شرقی اظهار داشتند که: «ذخایر نفت و گاز تا ابد باقی نمی‌ماند و اگر ملتی به فکر تولید انرژی آینده خود نباشد، باید محتاج و وابسته قدرتهای سلطه‌گر باشد.» (ایسنا/اعتماد 85/11/29)

2- این که ذخایر طبیعی از جمله نفت و گاز، که به طور دایم مورد بهره‌برداری قرار دارند تا ابد باقی نمی‌مانند و روزی به اتمام می‌رسند، سخن درست و برحقی است و اینکه هر ملتی باید به فکر وضعیت کشور خود بعد از اتمام نفت و گاز باشد، آن هم درست و بجاست اما این تنها سرنوشت ذخایر نفت و گاز نیست، معادن اورانیوم کشف شده و حجم برآورده شده آن نیز، اگر قرار باشد مورد بهره‌برداری قرار گیرد تا ابد باقی نخواهد بود و روزی به پایان می‌رسد. کارشناسان این گونه امور با توجه به حجم ذخایر اورانیوم کشف شده در ایران و میزان برداشت و استفاده از آن برای تامین سوخت نیروگاه هسته‌ای بوشهر - اگر روزی طلسم‌ها شکسته شود و این نیروگاه بکار افتد، زمان پایان یافتن احتمالی این ذخایر را نیز تعیین کرده‌اند.

3- پایان یافتن ذخایر نفت و گاز - یا سوخت فسیلی - برای هر کشوری معنا و مفهوم ویژه‌ای دارد که با وضعیت اقتصادی - صنعتی همان کشور رابطه مستقیم دارد. به عنوان مثال - ژاپن یک کشور صنعتی پیشرفته در جهان است که به سوخت فسیلی نیاز شدیدی دارد. اما فاقد منابع زیر زمینی نفت و گاز است. بنابراین وابسته به واردات آن از کشورهای دیگر نظیر ایران است. در صورتی که به هر دلیلی از جمله تحریم فروش نفت ایران یا اتمام ذخایر ایران یا سایر کشورهای نفت خیز، ژاپن نتواند سوخت مورد نیاز صنایع خود را تامین کند، بی‌تردید با مشکلات فراوان روبرو خواهد شد. بنابراین پیش بینی وضعیتی و پیش‌گیری از پیامدهای آن، برای کشوری مثل ژاپن، یعنی سرمایه‌گذاری برای تولید سایر انواع انرژی‌ها از جمله انرژی هسته‌ای می‌باشد. اما برای کشوری مثل ایران، که هشتاد درصد بودجه کل کشور از درآمد نفت تامین می‌شود، قطع این درآمد خواه به دلیل پایان گرفتن ذخایر نفت و گاز باشد یا به دنبال تحریم صادرات آن، برنامه ریزی برای تولید انرژی هسته‌ای دردی را دوا نمی‌کند. انرژی هسته‌ای در کشوری مثل ایران هم می‌تواند جایگزین سایر انواع انرژی از جمله نفت و گاز شود، اما با انرژی هسته‌ای نمی‌توان پیامدهای قطع درآمد نفت را جبران کرد. برای جلوگیری از پیامدهای قطع درآمد نفت و توقف و اخلاص در اقتصاد کشور، قبل از آن که برای انرژی هسته‌ای سرمایه‌گذاری و برنامه ریزی شود اقدام مهم‌تر و حیاتی‌تر آن، برنامه ریزی برای کاهش وابستگی اقتصاد کشور به درآمد نفت است. در حالی که پایان یافتن ذخایر نفت و گاز یک واقعیت است، اما پاسخ و واکنش درست ایران، سرمایه‌گذاری در انرژی هسته‌ای ولو در دراز مدت نمی‌باشد.

استدلال ابراهیم یزدی این است که پایان ذخائر نفتی عواقب منفی زیادی برای ایران خواهد داشت که تنها یکی از آنها مسئله انرژی یا برق است. اگر رژیم واقعا ب فکر چاره‌جویی در مورد این عواقب است چرا هیچ اثری از این نگرانی را در جاهای دیگر از اقتصاد ایران مشاهده نمی‌کنیم. بقول عوام، چرا از میان 124 هزار پیامبر، فقط سراغ "جرجیس" رفته‌اند.

در این زمینه باید به موضوع چاههای نفت نیز اشاره نمود که بر طبق بسیاری از گزارشات مندرج در نشریات نفتی و علمی جهان، رژیم ایران با خودداری از حداقل سرمایه‌گذاری لازم برای این سرمایه‌ملی و طبیعی، در حال نابودی آن است. موضوع بنزین نیز که دیگر بحث روزانه اکثر مطبوعات ایران است. رژیمی که سالانه 6 میلیارد دلار یعنی برابر با نیمی از بودجه عمرانی خود را صرف واردات بنزین میکند و هنوز اقدام به تاسیس پالایشگاههای ضروری برای این ابتدائی ترین نیاز اقتصادی مملکت نمی‌کند، آیا واقعا بدنبال حل مشکل انرژی کشور است؟¹⁹

در اینجا چند نقل قول از برخی شخصیت های داخل کشور و مورد اعتماد خانم عبادی ذکر میکنیم. **مصطفی تاج زاده**، از اعضای ارشد سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و حزب مشارکت در خلال همان مناظره ای که با **الیاس نادران** داشت، به استدلال آن دسته از افراد که دغدغه رژیم را دستیابی به تکنولوژی صلح آمیز هسته ای و یا حل مشکل انرژی کشور میدانند چنین میگوید:

تاج زاده: ... آقای احمدی نژاد است که گفت اروپایی ها به ما پیغام دادند شما 24 ساعت فعالیت های سانتریفیوژها را به حالت تعلیق درآورید، ما پرونده شما را از شورای امنیت خارج می کنیم. وی اعلام کرد ایران این پیشنهاد را نپذیرفت. همین مساله به تنهایی نشان می دهد نگرانی حضرات نه پیشرفت علمی و تکنولوژیک کشور است و نه حتی به راه افتادن نیروگاه های هسته ای.

مهمترین تأسیسات اتمی ما در بوشهر است که به گفته آقای نادران، اگر تکمیل شود، فواید زیادی برای کشور خواهد داشت. پرسش من این است که از چه سالی برای ساخت نیروگاه بوشهر اقدام شده و چه کسانی آن را ساخته اند؟ آیا دانشمندان ایرانی آن را ساخته اند یا ساخت این نیروگاه قبل از انقلاب به دست خارجی ها (آلمانی ها) شروع شده و اکنون روس ها مسوولیت تکمیل آن را به عهده گرفته اند؟ اگر جهان با داشتن تأسیسات هسته ای ایران مخالف بود، بوشهر را کامل نمی کردند. به علاوه پیشنهاد اتحادیه اروپا این بود که چند نیروگاه دیگر هسته ای نیز برای ایران بسازند، به شرط آنکه دولت ما چرخه سوخت یا غنی سازی اورانیوم را رها کند. پس نگویید دنیا با پیشرفت های علمی و فنی ما مخالف است. نه! جامعه جهانی پذیرفته است ایران نیروگاه هسته ای داشته باشد.

در قطعنامه های شورای امنیت، بر حق ایران در زمینه داشتن نیروگاه های هسته ای تأکید و تصریح شده، اما با غنی سازی اورانیوم که آن را مقدمه تهیه سلاح هسته ای می دانند، مخالفت شده است. پس برخلاف آنچه آقای نادران می گویند، ژانس اتمی یا شورای امنیت از ما نخواسته اند کلیه فعالیت های هسته ای خود را تعطیل کنیم بلکه صرفاً با غنی سازی اورانیوم در داخل خاک ایران آن هم به دلیل پنهان کاری اولیه و مواضع رادیکال در سیاست خارجی ما مخالف اند.

آقای نادران باید روشن کنند که چرا غنی سازی اورانیوم را معادل صنایع و دانش هسته ای می گیرند؟ آیا کشورهایی که اورانیوم را در خاک خود غنی سازی نمی کنند، فاقد صنایع و دانش پیشرفته هسته ای اند؟ آیا کشورهای زیادی سراغ نداریم که صنایع پیشرفته هسته ای دارند، اما اورانیوم را در داخل خاک خود غنی نمی کنند

مساله دیگر که در سخنان آقای نادران برجسته بود، این است که بوشهر به تنهایی برای کشور فاقد اهمیت است و تأکید اصلی بر سایت نطنز کردند. UCF اصفهان از نظر قدرت های بزرگ اهمیت چندانی در زمینه تولید سلاح هسته ای ندارد بنابراین آنان نیز عمدتاً دربار نطنز حساس اند. سؤال من این است چرا بوشهر که چهاردهم مورد توجه مقامات بوده، از اهمیت افتاده است؟ مگر ما صنایع صلح آمیز هسته ای نمی خواهیم؟

الیاس نادران: بله، بحث ما هم در مورد غنی سازی و تکمیل چرخه سوخت است و گرنه بوشهر چیزی ندارد که بر سر آن دعوا کنیم. هدف ما تولید سوخت هسته ای است.⁵

عباس عبدی نیز در مورد مقاصد صلح آمیز رژیم و یا به صرفه بودن این برنامه ها از نظر اقتصادی چنین میگوید:

«غنی سازی در داخل کشور با چه هدفی انجام می شود؟ ممکن است گفته شود برای نیروگاه بوشهر یا نیروگاه های دیگر نیاز به سوخت داریم و به صرفه است که خودمان سوخت را تولید کنیم. قطعاً این استدلال پذیرفتنی نیست. زیرا برای یک نیروگاهی که سه دهه از شروع ساخت آن می گذرد و هنوز هم راه اندازی نشده و برق زیادی هم تولید نمی کند (در مقایسه با مصرف ایران و نیروگاه های آبی و بخاری بزرگ کشور) و از اساس هم برق آن مقرون به صرفه نیست، چگونه می توان سوخت مقرون به صرفه تولید کرد؟ در حالی که سرمایه گذاری های نطنز، اراک و اصفهان بسیار بیشتر از بوشهر است و این مساله بر کسی پوشیده نیست.

بنابراین غنی سازی اورانیوم مطلقاً نمی تواند به دلیل صرفه اقتصادی باشد. چرا که قیمت تمام شده تولید آن در داخل با قیمت بازار آن تفاوت بسیاری دارد. اگر غنی سازی با هدف منکور نیست، پس هر نوع غنی سازی در داخل هر کشوری باید یا با هدف اطمینان از تأمین سوخت نیروگاه، یا اهداف نظامی یا دست یابی به تکنولوژی صورت گیرد تا نامقرون بودن صرفه اقتصادی آن را توجیه کند».²¹

عباس عبدی در مصاحبه دیگری نیز چنین میگوید:

سوال: ایران می گوید که ما در دستیابی به فناوری هسته ای به دنبال مصارف صلح آمیز و به عنوان مثال تولید برق هستیم ولی غربی ها می خواهند ایران را از چنین حقی محروم کنند.

عباس عبیدی ... به راحتی نمی‌توان در حقوق بین‌الملل هر ادعایی را مطرح کرد. از نظر غربی‌ها ادعاهای ایران غیرمنطقی است. آنها می‌گویند که شما یک نیروگاه هزار مگاواتی در بوشهر داریم که فاز اول آن تازه می‌خواهد پس از سه دهه راه بیفتد. از نظر اقتصادی هزینه برق تولید این نیروگاه چندین برابر هزینه تولید برق در یک نیروگاه آبی یا حرارتی است. به علاوه منطق اقتصادی اجازه نمی‌دهد که برای یک نیروگاه یک هزار وات که حتی پس از سال‌ها دو برابر هم بشود، راکتور آب سنگین، UCF اصفهان و غنی‌سازی نطنز طراحی و اجرا شود، حتی اگر تمام این اقدامات در چارچوب آژانس هسته‌ای باشد، آنان خواهند گفت که مجموعه این کارها اقتصادی نیست فقط با هدف تولید سلاح هسته‌ای طراحی شده است. ما نمی‌توانیم با این اقدامات خود دیگران را مجاب یا اعتمادسازی کنیم.¹⁷

پروژه تبلیغاتی "حق مسلم مردم ایران"

انطور که از مقاله خانم عبادی و محمد سهیمی پیداست، پرونده هسته‌ای ایران امری "ملی" است که با غرور یک ملت با افتخار رابطه مستقیم دارد و سرپیچی از این "حق مسلم"، برای هر دولت ملی در ایران غیر ممکن است. مردم ایران نیز به ادعای خانم عبادی، با اکثریتی مطلق طرفدار این برنامه هستند. بنظر نگارنده، هیچ نمونه‌ای بهتر و گویاتر از داستان "حق مسلم" برای شناخت لابی اتمی رژیم نیست. در این قسمت از گزارش، هماهنگی نیز و‌های طرفدار رژیم در جا انداختن این دروغ بزرگ و نحوه تقسیم کار بین آنان را مورد بازبینی قرار می‌دهیم.

این پروژه از اواسط سال 2003، یعنی بدنبال قطعنامه ژوئن آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شروع مذاکرات ایران با سه کشور اروپائی، شروع شد. پروژه "حق مسلم" بمنظور فریب افکار عمومی جهان و فشار به دول غربی بمنظور بازکردن دست رژیم در چانه زنی در مذاکرات اتمی و خریدن وقت، کلید خورد. هدف روشن آن، همانطور که در نقل قول‌های خود آنان مشاهده میشود، "داشتن اهرم فشار در مذاکره با غرب و القای این مسئله است که حتی اگر مسئولان حکومتی نیز مایل به عقب نشینی باشند، مردم ایران موافق با آن نخواهند بود" یا به گفته خانم عبادی "هیچ دولتی بجز یک حکومت دست نشانده غرب، جرئت توقف این برنامه را نخواهد داشت"

از پانزدهم سال 2006 و ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت، شاهد دوران جدیدی از بحث در باره برنامه اتمی رژیم ایران هستیم. در این دوره با توجه به چشم انداز تاریک آن برای رژیم، جناحهای رژیم یکی پس از دیگری به میدان آمده و با ابراز نگرانی شدید از روند پرونده هسته‌ای، اصولاً حرفهای خودشان در باره "حق مسلم و پشتیبانی ملت" را پس گرفته و چنین ادعاهائی را به خود رژیم نسبت میدهند.

اوضاع قبل از "حق مسلم"

برنامه اتمی ایران تا اگوست 2002 روالی پنهان و غیر علنی داشت تا اینکه اطلاعاتی در باره دو سایت نطنز و اراک در اختیار مطبوعات بین‌المللی و افکار عمومی قرار گرفت. رژیم ایران این برنامه‌ها را از سازمان انرژی هسته‌ای مخفی نگه داشته بود. بلافاصله پس از آن، تصاویر فضائی از این دو سایت، توسط موسسات و خبرگزاریهای بین‌المللی منتشر گردید.⁶

همانطور که در گزارش 12 دسامبر 2002 "موسسه علم و امنیت بین‌المللی" (ISIS) بخوبی توضیح داده شده، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به سرعت وارد قضیه گردید و بلافاصله درخواست بازدید از این دو محل را به رژیم ایران تسلیم نمود. ایران نیز بنوبه خود به وقت‌کشی پرداخت تا اینکه سرانجام در فوریه 2003، محمد البرادعی به ایران رفت. قبل از سفر وی به تهران، رژیم برای آماده‌سازی بین‌المللی در توجیه 18 سال مخفی‌کاری خود، محمد خاتمی را در 9 فوریه 2003 به تلویزیون فرستاد و وی برای اولین بار به ابعاد برنامه هسته‌ای ایران اعتراف نمود.⁷

در 19 ژوئن 2003، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در بیانیه‌ای رسمی، ایران را به نقض معاهدات خود متهم نموده و از این کشور خواست تا به توضیح در مورد برنامه‌های مخفی خود اقدام کند.⁸ سرانجام در 12 سپتامبر 2003، شورای حکام آژانس بین‌المللی رسماً در بیانیه‌ای تهدید آمیز از ایران خواست تا "پروتکل الحاقی" را امضا کرده و به خواسته‌های آژانس در زمینه

پاسخگویی به ابهاماتی که در باره برنامه اتمی ایران است پاسخ گوید. در اکتبر 2003 قرارداد سعدآباد بین ایران و نمایندگان سه کشور اروپایی امضا شد و برنامه غنی سازی نیز متوقف گردید.

داستان پیدایش "حق مسلم" را از اینجا ببعد از زبان مسئولان رژیم بازگو میکنیم. "مهدی مهدوی آزاد"، مدیر خیرگزاری "آفتاب" نزدیک به باند حسن روحانی، به بازگویی وضع رژیم در آن موقعیت حساس پرداخته و شروع پروژه "حق مسلم" را توضیح میدهد:⁹

«در شهریور 82 پرونده جمهوری اسلامی ایران به صورت ناگهانی در آستانه ارجاع به شورای امنیت سازمان ملل قرار گرفت. عدم تمکین به الزامات قطعنامه سپتامبر 2003 به معنای احراز شرایط مواد 18 و 19 اساسنامه آژانس بود که نتیجه مستقیم آن، گزارش پرونده به نیویورک است.

وضعیت افکار عمومی جامعه بین‌المللی در شهریور 82 به‌گونه‌ای بود که به‌مراتب وسعت میدان مانورهای سیاسی تهران را محدود می‌کرد. چرا که افکار عمومی جهانی تحت تأثیر تبلیغات حساب‌شده، حرف‌های و دامنه‌دار رسانه‌های بین‌المللی عملاً علیه جمهوری اسلامی تحریک شده بود. یک نظرسنجی فرا ملیتی که در آن مقطع توسط مؤسسه گالوپ در ایالات متحده و خاورمیانه انجام شد، تبیین‌کننده نوع نگاه شهروندان جامعه جهانی به ایران است. بر مبنای این نظرسنجی بیش از 64 درصد مردم آمریکا و 49 درصد جامعه عرب معتقد بودند که ایران به‌دنبال بمب اتمی است!

در داخل مرزهای جغرافیایی نیز افکار عمومی از وضعیت مطلوب و مناسبی برخوردار نبود. عدم انسجام در عملکرد تبلیغی رسانه‌های دولتی و برخی انتقادات مطرح شده از تریبون‌های رسمی، بدبینی و بدگمانی داخلی نسبت به رفتارهای نظام را تشدید می‌کرد. بایستی توجه داشت که افکار عمومی داخلی هنوز نسبت به ماهیت فعالیت‌های هسته‌ای ایران به‌عنوان نشانه‌ای از "افتخار ملی" توجیه نشده بود. وضعیت کنونی در حقیقت ماحصل فعالیت‌های بعد از کنترل بحران و انسجام تریبون‌های رسمی نظام به شمار می‌آید»⁹

به خوانندگان این گزارش توصیه میشود آخرین پاراگراف مقاله "مهدوی آزاد" را یکبار دیگر مرور کنند. به گفته وی، افکار عمومی مردم ایران، هنوز به "افتخار ملی" یا "حق مسلم" واقف نبود و تنها پس از کنترل تریبون‌های رسمی نظام یعنی اعمال سانسور و راه اندازی یک کمپین وسیع برای "رنگ کردن" کشورهای غربی بود که "مردم ایران به این حق مسلم واقف شدند."

1- سانسور کامل بر رسانه های عمومی

اولین شرط لازم برای جا انداختن این پروژه، اعمال سانسور شدید بر کلیه رسانه های عمومی در مورد برنامه اتمی ایران و حتی ممانعت از ابراز هر گونه مخالفت از طرف جناحهای خود رژیم بود. در اینجا به برخی از فاکت‌هایی که بعضاً توسط خود مقامات رژیم در این زمینه بیان شده اشاره میکنیم. اینگونه اعتراضات به ایجاد سانسور، هنگامی علنی شد که اولین قطعنامه شورای امنیت صادر گردید و جناحهای رژیم از ترس عواقب وخیم آن به صحنه آمده مجبور به بازگویی بخش کوچکی از حقایق گردیدند.

● **سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران** پیش از این کوشیده است از طریق ملاقات و گفتگو و یا مکاتبه به همراه جمعی از احزاب اصلاح‌طلب و شخصیت‌های دلسوز کشور، دیدگاه‌ها، مواضع و پیشنهادهای خود را به اطلاع مقامات عالی‌رتبه کشور برساند. اما اکنون با توجه به اینکه تلاش‌ها و اقدامات مذکور به نتیجه‌ای نینجامیده است و از یک‌سو سیاست‌های تبلیغاتی حاکم مبنی بر جلوگیری از طرح دیدگاه‌های مخالف با دیپلماسی هسته‌ای جاری به بهانه جلوگیری از سوءاستفاده دشمن، مانع از اطلاع و آگاهی از ابعاد مختلف ماجرا و نتایج و آثار سیاست‌های جاری شده است و از سوی دیگر ادامه این روند می‌تواند مصالح ملی و منافع حیاتی کشور را با چالش‌های سخت روبرو کند، بر آن شد تا مواضع و دیدگاه‌های خود را در این خصوص مشروحاً به اطلاع شما ملت شریف برساند، هر چند که این اقدام، سبب تکرار اتهاماتی نظیر استحاله، مرعوب‌شدن و ... شده و دشمنی‌های بیشتری را علیه فرزندان شما برانگیزد. (سایت امروز، 30 بهمن 1358)

● **جبهه مشارکت ایران اسلامی** از ابتدای شکل‌گیری پرونده هسته‌ای در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تا کنون در مقاطع مختلف و متناسب با روند تحولات و نقاط عطف موضوع به ارائه تحلیل و دیدگاه‌های خود پیرامون آن پرداخته است. هر چند تلاش ما بر این بوده تا با دامن زدن به بحث و گشودن زوایای بیشتر موضوع به نظام تصمیم‌گیری کشور و مسئولان مرتبط در این باره یاری رسانیم و در چتر منافع ملی و حفظ نظام حرکت نمائیم، اما متأسفانه پس از روی کار آمدن دولت نهم و مسئولان جدید در مدیریت

پرونده هسته‌ای که سیاست‌های گذشته را رها و راه تازه‌ای را در پیش گرفتند، تنگ نظری و نفي نسنجیده هر نظر متفاوت در تصمیم‌گیری رواج یافت. به گونه‌ای که نه تنها گوش شنوایی برای شنیدن نبود، بلکه حتی مانع از انتشار آخرین بیانه جبهه مشارکت درباره این موضوع در آغازین روزهای سال جاری شدند.

ما این نظر را که یکصدایی و یکدستی در مدیریت پرونده هسته‌ای تأمین‌کننده منافع ملی خواهد بود، که بر اساس آن اعمال نوعی سانسور در عرصه عمومی تجویز و از ارائه هرگونه نقد و بحثی در این باره جلوگیری شود نادرست و خطا دانسته و آنرا بر ضد منافع ملی ارزیابی می‌نماییم. (سایت امروز، 16 دیماه 1385)

● **احمد شیرزاد:** این روند اکنون به جایی رسیده است که اساساً امروز هرکارشناسی می‌خواهد گزارشی بنویسد و بحثی بکند ناچاراً به شعار انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست می‌رسد. چرا؟ چون در نهایت در این مسیر به نهادهای امنیتی می‌رسیم و کسی نمی‌تواند حرفی بزند. (سایت میزان، 10 اسفند 1385)³

● **محمدرضا خاتمی** در گفت‌وگو با خبرنگار "ایلنا"، با بیان اینکه جبهه مشارکت تنها حزبی است که در مورد پرونده هسته‌ای ایران فعال عمل کرده است، افزود: ما دو مسیر را پیش رو داشتیم؛ اول اینکه با افکار عمومی صحبت کنیم و نگرانی‌هایمان را به جامعه منتقل کنیم، کارهای مختلفی نیز در این زمینه انجام شد از جمله بیانه هسته‌ای مشارکت که در اسفندماه سال گذشته منتشر اما با بایکوت خبری مواجه شد.

وی تصریح کرد: بعد از آن به طور رسمی به ما اخطار کردند که در صورتی که موضع‌گیری علنی درباره پرونده هسته‌ای داشته باشیم، با حزب برخورد خواهد شد، بنابراین تنها راهی که برای ما باقی ماند این بود که به رایزنی‌هایمان ادامه دهیم و نگرانی‌ها و راه‌حلهایی را که به نظرمان می‌رسد، منتقل کنیم. (امروز، 24.2.85)

● **ابراهیم یزدی** با بیان اینکه «شهروندان عادی که به این مسائل اشراف دارند دستشان از همه جا کوتاه است، روزنامه‌ها سخنان آنان را نمی‌توانند منعکس کنند، احزاب و گروه‌های سیاسی تحت فشارند که در مورد مسائل هسته‌ای نظری را ابراز نکنند که مغایر با مواضع رسمی دولت باشد»، یادآور شد: اما هاشمی و خاتمی از این محدودیت‌ها فارغ هستند و در جایگاه‌هایی قرار دارند که می‌توانند و باید از این تندروی‌های بی‌منطق جلوگیری کنند.

وی بر این اساس ادامه داد: ملت ایران ظاهراً نامحرم است و برخی نگرانند که مبدا مردم از مسائل مطلع شوند یا بر این باورند که ممکن است گروه‌های سیاسی مطالبی را در بیانه‌های خود اعلام کنند که مغایر با سیاست‌های دولت و در نتیجه به تعبیر آنان موجب تضعیف موقعیت دولت در صحنه بین‌المللی شود. (افتاب، 2 بهمن 85)

● **سید مصطفی تاج‌زاده:** متأسفانه بحث در ابعاد پرونده هسته‌ای که می‌تواند زندگی حال و آینده تک‌تک ایرانی‌ها را تحت تأثیر قرار دهد و حتی استقلال و یکپارچگی سرزمین ایران را آسیب‌پذیر کند، به دلیل تصمیم غلط شورای عالی امنیت ملی، در رسانه‌های عمومی ممنوع شده است. یعنی با مهم‌ترین مسأله‌ای که می‌تواند تأثیرات جدی بر سرنوشت فرد فرد ما داشته باشد، مواجهیم و نه تنها رادیو و تلویزیون دیدگاه‌های مختلف را مطرح نمی‌کند و در این مورد به بحث نمی‌پردازد، بلکه رسانه‌های مکتوب نیز از بحث درباره این مسأله سرنوشت ساز منع شده‌اند.⁵

● **احمد زید آبادی:** نیازی به توضیح ندارد که ایران جهنم مورد ادعای برخی از گروه‌های اپوزیسیون خارج از کشور نیست و هنوز می‌توان در ایران در خلوت و جلوت، سیاست‌های نظام را به چالش کشید، البته به شرط آنکه چنین حرکتی، تکرار نشود، سازمان نیابد، موج ایجاد نکند و سرانجام اینکه بر نقاط فوق‌العاده حساس نظام، انگشت نگذارد.

با همین توضیح مختصر می‌توان ادعای دسته دیگری از هوطنان را که مدعی وجود حداقل آزادی‌ها برای انجام فعالیت‌های عادی سیاسی در ایرانند، باطل دانست. ... با این مقدمه طولانی، می‌خواهم تأکید کنم که آزادی بیان در ایران به شدت محدود است و وقتی پای برنامه هسته‌ای کشور در میان باشد، به حد صفر میل می‌کند.

2- تظاهرات امت "حزب الله" برای "حق مسلم"

پس از اعمال کامل سانسور و بقول مهدوی آزاد، "انسجام تریبون‌های رسمی"، پروژه تبلیغاتی رژیم آغاز گردید. بدستور رژیم، سلسله تظاهرات سازماندهی شده بسیج و طلاب کفن پوش و نمازگزاران خشمگین براه افتاد. سری اول تظاهرات، همزمان با

مذاکرات دور اول در سال 2003 (1382) شروع شد و طی سال 2004 نیز همزمان با مذاکرات با سه کشور اروپایی ادامه یافت. این تظاهرات با نزدیک شدن هر دیدار مهم مثل نشست سعد آباد یا کنفرانس پاریس، افزایش می یافت و دوباره نیز کاهش پیدا می نمود. برای بررسی این دوره میتوان به هر یک از روزنامه های جمهوری اسلامی یا کیهان مراجعه و آرشیو سال 82 و 83 را بازبینی نمود. در اینجا بخاطر کوتاه کردن گزارش فقط به بخش کوچکی از آن اشاره میکنیم. هدف از نقل چند خبر در این زمینه، شناخت نیروهای شرکت کننده در این نمایشات خیابانی و سخنرانی های وطن پرستانه و ملی گرایانه ای است که در نماز جمعه و دیگر تریبون های حکومتی ایراد شده است.

● اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان ایرانی مقیم هند با صدور بیانیه ای، ضمن محکوم کردن قطعنامه اخیر آژانس بین المللی انرژی اتمی علیه ایران، دستیابی به فناوری های نوین را از حقوق اساسی هر ملت دانست. جمهوری اسلامی 8 مهر

● جمعی از دانشجویان دانشگاههای تهران، امام صادق (ع)، صنعتی شریف، امیرکبیر و علم و صنعت تحت عنوان جنبش دانشجویی دفاع از استقلال ایران در اعتراض به پذیرش پروتکل الحاقی با انتشار نامه ای خطاب به اعضای مجمع روحانیون مبارز و جامعه روحانیت مبارز نسبت به پیامدهای شوم این پذیرش هشدار داده و روحانیان معظم را به هشیاری و دفاع از اصول و ارزشهای انقلاب فراخواندند. جمهوری اسلامی 6 مهر

یکی از جالب ترین و مضحکترین ترین تظاهرات، مقابل کاخ سعد آباد و همزمان با مذاکرات سه وزیر خارجه اروپا با حسن روحانی برگزار گردید. در حالیکه بطور معمول کسی جرئت تظاهرات در یک خیابان عادی تهران را نیز ندارد، این امت نگران، با خیال راحت جلوی کاخ ریاست جمهوری تظاهرات کرده و حتی با خوابیدن جلوی ماشین وزیر خارجه فرانسه، وی مجبور به پیاده شدن و گپ زدن با برادران و خواهران غیور شده است. گویا خود وزیر نیز از خودی بودن آنان مطمئن بوده و حتی رعایت مسائل امنیتی را نیز نکرده و وارد بحث با آنان شده است:

● دانشجویان با تجمع اعتراض آمیز در مقابل نهاد ریاست جمهوری و کاخ سعدآباد

پروتکل الحاقی را امضا نکنید (جمهوری اسلامی، 30.7.82)

ظهر دیروز و همزمان با آغاز مذاکرات وزرای خارجه ایران، فرانسه، آلمان و انگلیس جمعی از دانشجویان دانشگاه های تهران در مقابل محل مذاکرات تجمع کردند و خواستار عدم امضای پروتکل ذلت بار الحاقی شورای حکام شدند. دانشجویان معترض در مقابل ساختمان سعدآباد، هنگام خروج اتومبیل حامل وزیر امور خارجه فرانسه، با دراز کشیدن در مقابل در خروجی، اعتراض شدید خود را نسبت به سیاست های استعماری فرانسه و اتحادیه اروپا اعلام کردند.

هنگام خروج وزیر خارجه آلمان از درب شمالی سعدآباد نیز، جمعی از دانشجویان مانع خروج وزیر امور خارجه آلمان شدند که در این هنگام نیروی انتظامی با برخورد شدید، دانشجویان را متفرق کرد و وزیر امور خارجه آلمان از کاخ سعدآباد خارج شد. این گزارش می افزاید تا هنگام مخابره خبر، وزیر امور خارجه انگلیس همچنان در کاخ سعدآباد حضور داشت. هنگامی که دانشجویان به نشانه اعتراض در مقابل اتومبیل وزیر امور خارجه فرانسه، دراز کشیده بودند، وزیر خارجه فرانسه از اتومبیل خود خارج شد و کنار دانشجویان معترض آمد و از آنها سوال کرد که خواسته شما چیست، اما در این هنگام سفیر فرانسه به کنار وزیر آمد و او را به داخل هدایت کرد.

همچنین جمع دیگری از دانشجویان دانشگاه های تهران دیروز با تجمع در مقابل نهاد ریاست جمهوری، به ورود وزرای خارجه کشورهای انگلیس، آلمان و فرانسه به ایران اعتراض کردند. در این تجمع آرام، دانشجویان شعارهای « دیپلماسی ذلت، نمی خواهیم، نمی خواهیم»، « هیئات من الذله»، « سفیران استعمار ننگ به نیرنگتان» سر دادند

● نمایندگان تشکلهای دانشجویی به تسلیم دولت ایران در برابر اتحادیه اروپا برای پذیرش پروتکل الحاقی و توقف فعالیت های غنی سازی اورانیوم، شدیداً اعتراض کردند و خواستار خروج ایران از پیمان «ان پی تی» شدند. یک عضو کمیته جنبش دانشجویی دفاع از استقلال ایران، نیز با اشاره به ناخرسندی افکار عمومی از توافق دولت ایران با اتحادیه

اروپا مبنی بر پذیرش پروتکل الحاقی، گفت: اگر مسئولین که نمایندگان ملت هستند برخلاف نظر مردم عمل کنند، مشروعیت ندارند.

دبیرکل سازمان اسلامی دانشجویان ایران (سادا) نیز گفت: جنبش دانشجویی به هیچ عنوان بیانیه «سعدآباد» را نمی پذیرد و آن را یک قرارداد ننگین می داند. وی در پایان گفت: ملت ایران به هیچ وجه این بیانیه را نخواهد پذیرفت و به یاری خدا در برابر تمام جهان استکبار خواهیم ایستاد. (جمهوری اسلامی 8 آبان)

● راهپیمایی دانشجویی - مردمی

راهپیمایی دانشجویی - مردمی در اعتراض به پذیرش پروتکل الحاقی و اجرای مفاد بیانیه تهران به طور همزمان در شهرهای مختلف کشور برگزار خواهد شد. روابط عمومی جنبش دانشجویی دفاع از استقلال کشور اعلام کرد این راهپیمایی در شهرهای تهران، مشهد، اهواز، تبریز، ارومیه، کرمانشاه، قم، شیراز و کاشان بعد از اقامه نماز جمعه این هفته، برگزار می شود. (جمهوری اسلامی 8 آبان)

● اعتراض نمازگزاران جمعه برخی شهرها به پذیرش پروتکل الحاقی

بخش خبری: جمعی از نمازگزاران جمعه در شهرهای مختلف کشور پس از اقامه نماز جمعه با برگزاری راهپیمایی هایی به فشارهای سیاسی بیگانگان در پذیرش پروتکل الحاقی از سوی جمهوری اسلامی ایران اعتراض کردند و خواستار حفظ استقلال، عزت و اقتدار نظام از سوی مسئولان شدند. (جمهوری اسلامی 10 آبان)

● جنتی در نماز جمعه: انرژی هسته ای، عزت اسلام است، ایرنا ۸۴/۱۲/۲۶

خطیب جمعه تهران با اشاره به داستانی گفت: فردی وارد شهر بلخ شد. دید فردی را در حالیکه در تابوتی نشسته است، حمل می کنند. آن فرد می گوید من زنده ام اما دیگران به او می گویند خیر، دروغ می گوئی تو مرده ای. فردی که وارد شهر شده بود، پرسید: قضیه چیست؟ گفتند قاضی گفته است این فرد مرده اما خودش می گوید من زنده ام. جنتی تصریح کرد: حالا هر چه ما می گوئیم انرژی صلح آمیز هسته ای می خواهیم، آمریکا می گوید نه شما می خواهید سلاح هسته ای بسازید.

امام جمعه موقت تهران گفت: ۳۰ سال دیگر نفت تمام می شود و مردم باید از خدمات انرژی هسته ای استفاده کنند. اگر انرژی هسته ای نباشد مردم آب، برق، کارخانه و ... نخواهند داشت. در این هنگام نمازگزاران فریاد زدند انرژی هسته ای، حق مسلم ماست.

● احمدی نژاد: دشمنان و دیگر کشورها بارها خواسته می ملت ایران را در مورد انرژی هسته ای شنیده اند ولی آنها باید بدانند که این فریاد فقط ملت ایران نیست بلکه فریاد ملت های آزاد است. طبق اخبار رسیده بیش از دو میلیارد نفر هنگامی که ما در ارتباط با فن آوری هسته ای به پیشرفت و پیروزی رسیدیم در جهان از بابت این امر خوشحالی کرده و جشن گرفته اند. وی افزود: بنابراین دشمنان فکر نکنند که این شعار فقط مختص ملت ایران است بلکه میلیاردها انسان فریاد می زنند که انرژی هسته ای حق مسلم ایران است. ایسنا 28.2.85

● مجلس خبرگان: بهره مندی از انرژی اتمی حق انکارناشدنی ملت ایران است کیهان 83.6.31

3- جا انداختن "حق مسلم" برای محافل و افکار عمومی آمریکا

همانطور که در بالا اشاره شد، رژیم پس از بستن فضای مطبوعاتی داخل کشور در مورد پروژه اتمی، به راه اندازی یک سلسله از تظاهرات نمایشی برای نشان دادن حمایت مردمی از این پروژه براه انداخت. از آنجا که این نمایشات در درجه اول مصرف خارجی داشت، اکنون بایستی با استفاده از "دوستان" خود در آمریکا، این فعالیت ها را بخورد محافل سیاسی و افکار عمومی بدهد.

در قسمت های قبلی گزارش، ضمن بحث در مورد شبکه لابی رژیم در آمریکا، به یکی از اصلی ترین پایه های این لابی، یعنی محافل طرفدار ایران بخصوص در میان موسسات تحقیقی اشاره شد. بخش بعدی گزارش به این محافل و بخصوص "شورای روابط خارجی" Council on Foreign Relations اختصاص خواهد داشت. در این قسمت از گزارش، باید به نقش ویژه "ری تکیه" از مهمترین کارشناسان این موسسه در جا انداختن پروژه "حق مسلم" و برنامه اتمی ایران اشاره کنیم.

"تکیه" از ایران شناسانی است که به طرفداران مامشات با رژیم ایران معروف گشته اند. وی ایرانی - آمریکائی است و تا کنون صدها مقاله و گزارش در مورد اوضاع سیاسی ایران نوشته، در دهها کنفرانس شرکت نموده و به دفعات زیادی نیز در برابر کمیسیون های سنا و کنگره آمریکا به روشن کردن اذهان قانونگذاران در باره مسائل ایران پرداخته است.

جهت اطلاع علاقه مندان لازم به یادآوری است که بزودی گزارش انگلیسی ویژه ای در باره "ری تکیه" و نقش و جایگاه وی در شبکه لابی رژیم منتشر خواهیم کرد. در این گزارش به تلاشهای سیستماتیک وی برای وارونه جلوه دادن حقایق ایران اشاره شده است. برای خوانندگانی که با سیستم سیاسی آمریکا آشنا نیستند، درک این مسئله کمی مشکل خواهد بود که چگونه میتوان مثل "ری تکیه" حقایق مسلمی را که حتی در روزنامه های ایران نیز منتشر شده بطور کاملاً وارونه جلوه داد و حتی به جعل خبر نیز پرداخت. تازه بجای پاسخگوئی بخاطر فریب افکار عمومی، همین فرد به درجات بالاتری نیز ارتقا پیدا کرده و موقعیت مهمتری در سیستم لابی آمریکا بدست میآورد. این نکته و مکانیزم و کارکرد خاص برخی موسسات تحقیقی و خصوصی در امریکا را توضیح خواهیم داد.

در اینجا بخاطر پرهیز از طولانی شدن گزارش، فقط به چند نقل قول از معروفترین کارشناسان ایران مثل "ری تکیه" یا "کنت پولاک" Kenneth Pollack در باره حمایت عظیم مردم ایران از برنامه هسته ای رژیم می پردازیم. "پولاک" در کابینه "بیل کلینتون" یکی از مسئولان شورای امنیت ملی بود که در چند سال گذشته یکی از مهمترین مهره های طرفدار مامشات با رژیم ایران بوده است.

یکی دیگر از این متخصصان، "هادی سمتی" عضو شورای مرکزی حزب مشارکت است. این فرد که مانند تظاهرات بسیجیان "فقط مصرف خارجی" دارد، کار خود را در کنار "هوشنگ امیر احمدی" آغاز نمود و اکنون با مسافرت های پی در پی به آمریکا و شرکت در کنفرانس هایی که به طرفداری از رژیم ایران تشکیل میشود، یکی از مبلغان اصلی پروژه های رژیم در خارج است.

ری تکیه: مسئله هسته ای اکنون به یک موضوع ملی و هویت ایرانی تبدیل شده است. این برنامه مورد حمایت اکثریت عظیم مردم ایران است. نظر سنجی های اخیر نشان میدهد که بین 75 تا 80 درصد مردم طرفدار این برنامه هستند.¹⁰

VOLKER PERTHES: نخبگان جامعه ایران و همچنین مردم این کشور 99 درصد باین باورند که برنامه رژیم ایران درست و مشروع است.¹¹

هادی سمتی: ریشه های مسئله هسته ایران را باید در چند چیز جستجو کرد. اول و مهتر از همه "ناسیونالیسم" ایرانی است که بازتابی از میراث تاریخی ایرانیان است. در ضمن باید به "پارانویای" ایرانیان نسبت به دنیای خارج نیز اشاره کنیم. این احساس نتیجه دخالت قدرتهای بزرگ در مسائل ایران در گذشته است.¹²

کنت پولاک: دلیل اینکه ایران بدنبال بمب اتمی میباشد، در درجه اول بخاطر آن است که دچار "پارانویا" میباشد. این نوع احساس ایرانیان کاملاً قابل درک است زیرا در حال حاضر توسط ایالات متحده محاصره شده اند. دلیل دومی که باید بآن اشاره شود یک فاکتور "پرستیژ" میباشد. ایرانیان ملت مغروری هستند و فکر میکنند که وارثین یک تمدن تاریخی بزرگ میباشد و از همین رو به "بمب اتمی" بعنوان عاملی برای دستیابی مجدد به این نقش تاریخی نگاه میکنند.¹³

کنت پولاک: تمام نشانه ها دال بر این هستند که رژیم ایران با حمایت عظیمی که مردم ایران نثارش میکنند، بدنبال سلاح هسته ای است.¹⁴

همانطور که ملاحظه میشود "ری تکیه" به آخرین نظر سنجی ها با حمایت 80 درصدی مردم اشاره نموده است. نگارنده این گزارش و دو همکارم در داخل کشور، هیچ نشانی از هرگونه نظر سنجی مستقل مبنی بر حمایت مردم از برنامه هسته ای رژیم در

هیچ جا مشاهده نکرده ایم. در عوض، در همان مطبوعات حکومتی داخل ایران مانند روزنامه حسین شریعتمداری، نمونه های زیادی از اینگونه آمارهای بسیار علمی و مستند! به چشم میخورد:

● **نظرسنجی اینترنتی شبکه العالم از مردم درباره فناوری هسته ای**

در يك نظرسنجی که از طریق شبکه العالم درباره اعمال فشار آمریکا در مورد استفاده صلح آمیز جمهوری اسلامی از فن آوری هسته ای انجام شد، 89/14 درصد پاسخ دهندگان اعمال فشار آمریکا را غیرقانونی و استفاده از فن آوری هسته ای را حق ایران دانستند.
به گزارش روابط عمومی شبکه العالم در این نظرسنجی که از تاریخ 23 لغایت 30 شهریورماه 1383 در سایت العالم انجام شد، از شرکت کنندگان سؤال شده بود که آیا آمریکا حق دارد که ایران را از استفاده صلح آمیز از فن آوری هسته ای باز دارد؟ 89/14 درصد از آنها اعلام کرده بودند که آمریکا از چنین حقی برخوردار نیست و در مقابل 10/86 درصد نیز اعلام کرده بودند که آمریکا از چنین حقی برخوردار است. 83.6.31

● **نتیجه نظرسنجی از جوانان درباره دفاع از وطن**

براساس پژوهش انجام شده 95 درصد از جوانان ایرانی می گویند: اجازه نمی دهیم يك وجب از خاک کشورمان به دست بیگانگان بیافتد.
نتایج پژوهش بر روی جوانان 14 تا 29 ساله کشور درباره «هویت دفاع از سرزمین» همچنین نشان می دهد 88 درصد جوانان معتقدند در هیچ شرایطی نباید اجازه داد که بیگانگان در امور کشور دخالت کنند 90 درصد نیز بیان کرده اند که باید از نظر نظامی و سیاسی چنان قوی باشیم که کسی جرأت حمله به کشور ما را نداشته باشد.
نتایج این پژوهش که بر روی 75 هزار جوان در سراسر کشور صورت گرفته است حاکیست هویت جوانان ایران در دفاع از سرزمین و کشور خود در حد بسیار بالا و حدود 89 تا 95 درصد است که عالیترین سطح نگرش در میان مجموع یافته های پژوهشی محسوب می شود.
به گزارش ایسنا به اعتقاد 91 درصد جوانان، برای بیمه کردن کشور در مقابل تجاوزهای دشمنان باید به عالی ترین سطح پیشرفت علمی و صنعتی برسیم. 28 سپتامبر 2004

● **نظرسنجی از مردم درباره انرژی اتمی و محدودیت آفرینی های غرب**

78/6 درصد از مردم ایران با هرگونه توقف در روند فعالیت های هسته ای کشور و تسلیم ایران به درخواست کشورهای غربی و آژانس در این زمینه شدیداً اظهار مخالفت کردند.
به گزارش خبرگزاری مهر براساس يك نظرسنجی ملی که اخیراً با پارامتر های علمی معتبر در سطح کشور انجام شده است، علاوه بر این تنها 12/4 درصد مردم به پذیرش این خواسته در قبال امتیازاتی موافق هستند و بقیه نیز اظهار نظر صریحی نکرده اند. همچنین 65 درصد از جمعیت آماري نظرسنجی فوق که از گروه های مختلف اجتماعی تشکیل شده اند، اعتماد نکردن به وعده های کشورهای اروپایی طرف مذاکره را خواستار شده اند. براساس نتایج دیگر این نظرسنجی، همچنین 67 درصد مردم با ادامه فعالیت های هسته ای ایران «تحت هر شرایطی» اعلام موافقت نموده و 24 درصد نیز بررسی شرایط در این زمینه را مدنظر قرار داده اند.
در مورد انگیزه های آمریکا و غرب در فشار بر جمهوری اسلامی ایران برای توقف برنامه های صلح آمیز هسته ای، 80 درصد از مردم با این گزینه که آژانس تحت فشار های سیاسی آمریکا و غرب فعالیت می کند اعلام موافقت نموده اند.
براساس دیگر یافته های این نظرسنجی، 74 درصد مردم با سرمایه گذاری گسترده کشور در زمینه انرژی هسته ای موافقت کامل دارند و 65 درصد نیز با این بهانه آمریکا که ایران به لحاظ دستیابی به منابع نفت و گاز نباید در پی استفاده از انرژی هسته ای باشد، کاملاً مخالف می باشند. 11 oct. 2004

● **بخش خبری:** بیش از 86 درصد مردم کشورمان بهره گیری از انرژی هسته ای را در شرایط کنونی ضروری می دانند و 88 درصد مردم تهران نیز معتقدند فشار آمریکا بر آژانس بین المللی انرژی اتمی باعث صدور قطعنامه علیه ایران شده است.
با توجه به فشار های اخیر قدرتهای خارجی که در جهت تحدید و ممانعت کشورمان برای بهره گیری از انرژی هسته ای

مطرح شده است، مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران در تاریخ 9، 10 و 11 مهرماه 82 طرح نظرسنجی «ارزیابی شهروندان تهرانی در خصوص ضرورت بهره‌گیری از انرژی هسته‌ای و مسائل پیرامون آن» با جامعه آماری شهروندان تهرانی اجرا نمود 15.7.82

در مورد نظر سنجی از مردم ایران و تکرار آن توسط دوستان رژیم در خارج، یکی از شگردهای رژیم بخوبی نمایان می‌شود. در مرحله اول، روزنامه کیهان، یک نظرسنجی مجعول را از قول تلویزیون "العالم" (تلویزیون ماهواره‌ای و عرب زبان رژیم)، نقل میکند. هم این ایستگاه تلویزیونی و هم روزنامه کیهان، هر دو تحت کنترل سپاه قرار دارند. در مرحله بعد، کارشناس کاملاً بیطرفی "مثل" ری تکیه، به همین نظرسنجی‌های "کاملاً علمی" استناد کرده و به حمایت 80 درصدی مردم ایران از برنامه‌های اتمی اشاره می‌کند. بنابراین یک موضوعی که از اساس جعلی و ساخته و پرداخته تلویزیون سپاه پاسداران و کیهان شریعتمداری است، سر از معتبرترین نشریات جهان در می‌آورد. در مرحله بعد، این موضوع به یک فاکت تبدیل شده و "ثریا سپه‌پور اولریش" عضو لابی رژیم (کاسمی) با استناد به همین فاکت جعلی، یک مقاله بلند در باره حمایت‌های مردمی می‌نویسد. اینبار خانم اولریش احتیاجی به ذکر نام تلویزیون "العالم" ندارد و فقط به کارشناس عالیرتبه‌ای مثل "ری تکیه" استناد کرده است.¹⁵

ظاهراً فاکت‌هایی که از "ری تکیه" و دیگر "کارشناسان عالیرتبه" نقل شد، هنوز برای خوانندگان آمریکایی قانع‌کننده بنظر نمی‌رسد و بایستی فاکت جدی‌تری به ادعای "حمایت مردمی" اضافه کرد. از آنجا که بجز تظاهرات دانشجویان بسیجی و طلاب بسیجی چیز دیگری وجود ندارد، تنها راه کمی دستکاری در اصل خبر است.

جعل خبر برای فریب افکار عمومی

برای قانع کردن مخاطبان آمریکایی، دستکاری در اخبار یکی از مرسوم‌ترین شیوه‌های مورد استفاده کارشناسان طرفدار رژیم ایران بوده است. در اینجا، دو نمونه از شاهکارهای معروفترین خبرنگار آمریکایی متخصص ایران و شناخته‌شده‌ترین کارشناس مسائل ایران را بیان می‌کنیم تا خوانندگان این گزارش به نحوه کار رژیم برای جانداختن "حق مسلم" آشنا شوند.

"رابین رایت" Robin Wright که در گزارش بعدی وی را در کنار "ری تکیه" مورد بررسی قرار می‌دهیم، خبرنگار ارشد روزنامه واشنگتن پست است که متخصص مسائل خاورمیانه و بخصوص ایران است. وی از دهه 90 میلادی مرتباً به ایران سفر کرده است و کتابها و مقالات متعددی در باره کشورمان نوشته است. وی معروفترین خبرنگار مسائل ایران در آمریکاست.

"رابین رایت" بتاريخ 14 نوامبر 2004، و در کشاکش مذاکرات ایران با اروپا، مقاله‌ای در واشنگتن پست درباره حمایت کلیه مردم ایران از برنامه اتمی رژیم نوشت. فردای آنروز، روزنامه کیهان شریعتمداری مقاله‌ی وی را به فارسی ترجمه و منعکس نمود. بخشی از متن فارسی این مقاله از قول کیهان که با متن انگلیسی مطابقت میکند چنین است:

واشنگتن پست: ایرانیان همگی از داشتن فناوری هسته‌ای حمایت می‌کنند

روزنامه واشنگتن پست با انتشار گزارشی نوشت: اصلاح‌طلبان و محافظه‌کاران شهری و روستایی، پیر و جوان فقیر و غنی و زن و مرد همگی با یک مسئله موافقت و آن این که ایران به انرژی هسته‌ای نیاز دارد و به رغم غنی بودن از نفت و گاز جهان نباید کشورشان از این فناوری حتی اگر برای ساخت سلاح هسته‌ای به کار گرفته شود، محروم گردد. این گزارش به نقل از عباس ملکی، مدیر موسسه تحقیقاتی خزر با اشاره به حادثه هسته‌ای چرنوبیل سال 1986 در اوکراین اظهار داشت: ایرانی‌ها نه به علت فعالیت‌های حکومتی، بلکه به علت موضع آمریکا با یکدیگر متحدند. پیش از دخالت آمریکا، بسیاری از ایرانی‌ها فکر می‌کردند ما به فناوری هسته‌ای که گران و خطرناک است نیازی نداریم. عباس ملکی ادامه داد: اما اکنون همین ایرانی‌ها معتقدند که ما باید فعالیت‌های مان را به عنوان نشانه استقلال ارتقاء بخشیم.

بسیاری تحلیلگران می‌گویند: حمایت مردمی از برنامه هسته‌ای ایران اهرم فشار فوق‌العاده‌ای را در مذاکرات با آلمان، فرانسه و انگلیس در خصوص طرح این کشور برای غنی‌سازی اورانیوم در اختیار دولت قرار داد. واشنگتن پست خاطر نشان کرد: جمعی از دانشجویان ایرانی چندی پیش به دور سازمان انرژی اتمی این کشور حلقه زدند و دنبال کردن

دستیابی به فناوری هسته ای را از دولت خواستار شدند و فریاد زدند: غنی سازی حق طبیعی ماست، فناوری هسته ای حق مشروع ماست. (24 آبان 83، روزنامه کیهان)

برای توجیه ادعای حمایت مردم ایران، "رابین رایب" دو فاکت آورده است. اولاً وی به گفته های "مدیر موسسه تحقیقاتی خزر" در تهران اشاره کرده است. "رایب" که از سال 95 به ایران سفر کرده است، بخوبی با "عباس ملکی" معاون وزیر خارجه ایران بمدت هشت سال، مشاور خامنه ای هنگام مصاحبه با وی، و معاون مجمع جهانی اهل بیت آشناست. نه تنها ملکی برای اکثر کارشناسان مسائل ایران چهره ای کاملاً شناخته شده است، بلکه اصولاً بخش معاونت وی در وزارت خارجه، مسئولیت ارتباط با خبرنگاران خارجی و بخصوص فردی مثل خانم "رابین رایب" را بعهده داشته است. بنابراین خبرنگار عالیرتبه واشنگتن پست بخوبی با عباس ملکی آشناست. ولی وی بخوبی میداند که اگر هنگام نقل قول از وی، اشاره ای به رابطه ملکی با رژیم بنماید، حتی خوانندگان ساده لوح نیز برای نتیجه گیریهای وی اعتباری قائل نخواهند شد. از اینرو، عباس ملکی یکبار به کارشناس و محقق بیطرفی در "موسسه تحقیقاتی خزر" تبدیل میشود.

مهمتر از این دستکاری کوچک، اشاره "رابین رایب" به تظاهرات دانشجویان در جلوی ساختمان انرژی اتمی در تهران است. برای هر کارشناس دست سوم در آمریکا، بین تظاهرات دانشجویان، با تظاهراتی که "بسیج" برگزارکننده آن باشد تفاوتی فاحش وجود دارد. برای خانم "رایب" ذکر نام "بسیج" طبیعتاً دور از عقل است. این تظاهرات را به نقل از روزنامه "شرق" نقل میکنیم تا با ماهیت این دانشجویان آشنا شویم. (روزنامه شرق 12 آبان 83)

شرق، محمد رهبر: بسیج دانشجویی دانشگاه های تهران فراخوانی داده بود تا هسته های بسیج راس ساعت ۳ بعدازظهر روبه روی سازمان انرژی هسته ای گرد هم بیایند تا حلقه انسانی به نشانه اعتراض به تصمیمات اروپا و آمریکا در قبال فعالیت های اتمی ایران تشکیل دهند. ساعت ۳ جمعیت نزدیک به ۱۰۰ نفر بود که تا نیم ساعت بعد به ۳۰۰ نفر می رسد، ... مسئول نظم دادن به حلقه انسانی موتورسواری است که با موتور هوندا ۱۲۵ که سال هاست به عنوان نمادی از بسیجیان محسوب می شود طول حلقه را طی می کند. ... با نزدیک شدن وقت افطار مسئولان مراسم از بسیجیان می خواهند که نزدیک تریبون بیایند، حلقه می شکنند، برنامه با تلاوت قرآن ادامه می در همین حال بیانیه بسیج دانشجویی دانشگاه های استان تهران در میان حاضران توزیع می شود، در این بیانیه مسئله انرژی هسته ای با عنوان پرونده ای فراجحای و ملی نام برده شده است برادران موکت ها را روی آسفالت پهن می کنند قرار است که بسیجیان نماز را کنار سازمان انرژی اتمی بخوانند. برادری از خواهران می خواهد که به آخر صف نماز بروند.

جالب اینجاست که یک تظاهرات بسیجی با 200-300 نفر، به عنوان حمایت مردم ایران از پیر و جوان، شهری و روستائی، فقیر و پولدار از برنامه های اتمی رژیم معرفی میشود ولی همانطور که در قسمت بعدی گزارش خواهیم دید، تظاهرات دهها هزار نفره دانشجویان در تیرماه 78 آنهم برای چند روز متوالی و درگیری با چماق کشان و هفت تیر بندان سپاه، محلی از اعتبار ندارد. در بررسی "آن واقعه بی ارزش"، "سوزان مالونی" یکی از مهمترین عناصر طرفدار خط مماشات با رژیم ایران و عضو عالیرتبه کنونی در وزارت خارجه آمریکا، با مقایسه این تظاهرات با جمعیت میلیونی که بخاطر پیروزی تیم فوتبال ایران بر استرالیا به خیابانها آمدند، نتیجه میگیرد که این واقعه هیچ پیام جدی نداشته است و نشانی از تمایلات سیاسی مردم نیست.

اگر رابین رایب به حذف نام بسیجی از تظاهر کنندگان اکتفا کرده و یا سیمت رسمی "عباس ملکی" را از قلم انداخته است، "ری تکیه" پا را از این نیز فراتر گذاشته و به جعل خبر می پردازد. وی در مقاله ای که در دو نشریه در نوامبر 2004 منتشر نمود، به چند "فاکت" در باره حمایت اکثریت مردم ایران از این برنامه ها اشاره میکند:

«در حالیکه موضوع برنامه هسته ای ایران ابعاد گسترده تری میگیرد، فاکتور جدیدی وارد بازی شده است: "افکار عمومی". نظر مردم کلاً این است که ایران، با تمدنی کهن، از حق دستیابی به تکنولوژی هسته ای برخوردار میباشد. رفسنجانی این احساس مردمی را در سخنان خود بدینگونه منعکس میکند: "هیچ دولتی در ایران جرئت توقف این برنامه را ندارد!"

یکی از تندترین انتقاداتی که به توافقات ایران بر سر برنامه های هسته ای با جامعه بین المللی شده است از طرف سازمانهای دانشجویی بوده است. تحلیل گران مسائل ایران، دانشجویان ایرانی را بارومتر قابل اعتمادی برای تمایلات مردم ایران میدانند زیرا تشکل های دانشجویی در تمام جنبش های اجتماعی مترقی، نقش پیشیناز را داشته اند. این دسته از

تحلیل گران، دانشجویان ایرانی را با "ترقی خواهی" همردیف میدانند زیرا آنان از طرفداران اصلی رفرم و دموکراتیزاسیون ایران بوده اند.

اما در زمینه موضوع اتمی، تحصیلکرده های جوان ایران به توافقات اخیر ایران برای کنار آمدن با جامعه بین المللی را نقض حقوق ملی ایرانیان میدانند و به بزرگترهای خود در مورد کاپیتولاسیون در مقابل فشار خارجی اخطار میکنند. هنگامیکه در اکتبر سال گذشته ایران پروتکل الحاقی را پذیرفت، دانشگاههای ایران به لرزه درآمد که البته اینبار برای رفرم سیاسی نبود. در دانشگاه "شریف" دانشجویان طی قطعنامه ای که خوانده شد این قرار داد را خیانت به ایران قلمداد کردند.

در تجمع اخیری که دانشجویان سراسر ایران در بوشهر داشتند، در قطعنامه شان به همین کاپیتولاسیون اشاره کردند. **"ابراهیم شمشیری"**، رهبر تشکل با نفوذ دانشجویی بنام **"جامعه اسلامی دانشجویان"**، از اینهم جلوتر رفته و درخواست نمود که ایران برای مقابله با آمریکا به سلاح هسته ای مجهز شود.²⁰

برای درک جایگاه "ری تکیه" و دلیل ارتقاء وی بعنوان معروفترین کارشناس مسائل ایران در آمریکا، بایستی نقل قول بالا را چند بار دیگر مطالعه نمود. وی برای خرج کردن تظاهرات دانشجویان بسیجی، از نقش پیشتاز دانشجویان در جنبش های اجتماعی ایران شروع میکند، به نقش این جریانها در دوم خرداد و رفرم اشاره نموده و برای آوردن فاکت، به فردی بنام **ابراهیم شمشیری**، رئیس یک تشکل دانشجویی با نفوذ میرسد.

برای روشن شدن شیوه کار دوستان رژیم ایران در آمریکا، اول به دو تظاهراتی که "ری تکیه" در مقاله خود به آن اشاره کرده نگاه می کنیم. جمعی که بقول وی دانشجویان سراسر کشور در آن شرکت کرده بودند، به نقل از خبرگزاری رژیم، از طلاب و دانشجویان بسیجی تشکیل شده بود:

صدها دانشجو و طلبه بسیجی در برابر نیروگاه اتمی بوشهر تجمع کردند، ایرنا ۲۸/۰۳/۸۳
صدها تن از دانشجویان و طلاب بسیجی استان بوشهر روز چهارشنبه با اجتماع در اطراف نیروگاه اتمی بوشهر نسبت به سیاست های دوگانه آمریکا و کشورهای اروپایی اعتراض کردند. در این اجتماع دانشجویان و طلاب بسیجی با پوشیدن کفن در حرکتی نمادین اطراف ساختمان راورگاه اتمی بوشهر حلقه زدند.
اعتراض کنندگان در این اجتماع با سر دادن شعارهای "مرگ بر آمریکا"، "مرگ بر اسرائیل"، "انرژی هسته ای حق مسلم ماست"، "ای رهبر آزاده آماده ایم آماده"، انزجار خود را از سیاست های دوگانه آمریکا و اروپا در برابر فعالیت های هسته ای ایران و سایر کشورها اعلام کردند. اجتماع کنندگان در پایان این تجمع ۸۰۰ نفری با صدور بیانیه ای به کار خود پایان دادند.

جالب ترین بخش از مقاله "ری تکیه" اشاره به ابراهیم شمشیری بعنوان رهبر یک جریان دانشجویی با نفوذ است که از طرف تحلیل گران بعنوان بارومتری برای شناخت تمایلات جامعه ایران قلمداد میشود، زیرا این دانشجویان همیشه بعنوان پیشتازان جنبش های مترقی عمل کرده اند. اکنون به اشاره، نظری به "شمشیری" و نقش پیشتاز وی در جریانها مترقی و مواضع وی بعنوان بارومتر خواسته های مردم ایران می افکنیم.

ابراهیم شمشیری در زمان نگارش مقاله "تکیه"، رئیس جامعه اسلامی دانشجویان بود که جای خود را به عبدالرسول حیدری داد. این جریان که توسط سپاه پاسداران راه اندازی شده، بدون تردید نماینده راست ترین، فاشیست ترین و خشن ترین بخش از جلالان وزارت اطلاعات و سپاه در دانشگاههاست. خوانندگان این گزارش با مراجعه به آدرس سایت این تشکل، میتوانند به "ترقی خواهی" به سبک "ری تکیه" آشنا شوند. آخرین تلاش این گروه، نقش مستقیم در سرکوب دانشجویان در جریانها اخیر پلی تکنیک است که اخبار آن روی سایت این تشکل هنوز مندرج است. به چند خبر از روی سایت این تشکل "مترقی" نگاه میکنیم:

● یکشنبه، ۹ اردیبهشت، ۱۳۸۶

به فضل پروردگار جامعه اسلامی دانشجویان همدان برگزار می نماید:

آنفلوآنزای نیویورکی! (با موضوع سیاست خارجی)

با سخنرانی استاد حسن عباسی <http://jadnews.persianblog.com>



"دکتر حسن عباسی" رئیس "مرکز بررسی های دکترینال امنیت بدون مرز"

● «دانشجویان به هدف زدند» (کنفرانس هولوکاست)

عبدالرسول حیدری در خصوص برگزاری همایش هولوکاست در ایران گفت: علت اصلی برگزاری چنین برنامه‌ای توسط دانشجویان موضوع عدالتخواهی و حقیقت جویی این قشر است. بنابراین برای کشف حقیقت سمینار علمی با موضوع تاریخی برگزار می‌کنیم تا ببینیم آیا چنین واقعه‌ای رخ داده است یا نه. حیدری با اشاره به تشکیل دولت اسرائیل و ادعای کشتار یهودیان در آلمان گفت: این واقعه تاریخی به نظر ما حقیقت ندارد و با این کار ریشه اصلی کشور اسرائیل زیر سؤال می‌رود. وی با تأکید بر مخالفت کشورهایمان از جمله آلمان و انگلیس در خصوص برگزاری این همایش گفت: چنین مخالفت‌هایی نشان می‌دهد ما به هدف زدیم که آنها اینگونه اعتراض کرده‌اند و در این زمینه بیشتر نیز کار خواهیم کرد و اکنون مقدمات کار در حال صورت گرفتن است. ²²

البته برای خشنودی "ری تکیه" باید یادآوری نمود که این دانشجویان "مترقی"، گذشته از برگزاری کنفرانس هولوکاست، چاقوکشی در دانشگاهها و پرتاب نارنجک به سفارت خانه های غربی و ... جدیداً **مصدقی** هم شده اند و بخاطر دفاع از منافع ملتی با یک تاریخ کهن، بر حق ایران در دستیابی به انرژی صلح آمیز هسته ای پافشاری میکنند:

عبدالرسول حیدری، دبیر کل جامعه اسلامی دانشجویان در گفت و گو با خبرنگار خبرگزاری فارس با اشاره به زورگویی‌های غرب در پرونده هسته ای ایران افزود: استفاده از انرژی هسته‌ای به مانند ملی شدن صنعت نفت به یک خواست ملی تبدیل شده و هیچ زمزمه داخلی یا قدرت خارجی نمی‌تواند اندک تزلزلی در این اراده بوجود آورد. ¹⁶

ادامه دارد

بخش های منتشر شده این سلسله گزارش تحقیقی در آدرس های زیر قابل دسترسی میباشد:

* گزارش اولیه (دو لینک نمونه):

http://www.gozareshgar.com/fileadmin/goz_uploads/IranLobby.doc
http://web.peykeiran.com/new/articles/article_body.aspx?ID=10174

* شبکه لابی رژیم ایران در امریکا - بخش اول: مدیریت شبکه (دو لینک نمونه):

http://www.sedaye-ma.org/web/show_article.php?file=src/siasat/hassandai_030807.htm
<http://www.asre-nou.net/1385/esfand/15/m-daii.html>

* شبکه لابی رژیم ایران در امریکا - بخش دوم: مافیای نفتی (دو لینک نمونه):

http://www.didgah.net/pfiles/LobbyRegime2_1_.pdf
<http://www.aftabkaran.com/a4606.htm>

* شبکه لابی رژیم ایران و جنبش جهانی ضد جنگ - بخش اول (دو لینک نمونه):
<http://www.iran-chabar.de/article.jsp?essayId=9111>
http://www.didgah.net/maghalehMatnKamelSotonNamehKarbaran_2007.php?id=551

* مافیای نفتی ملاها - بخش منتشر شده گزارش تحقیقی بزبان انگلیسی (دو لینک نمونه):
<http://www.frontpagemag.com/Articles/ReadArticle.asp?ID=27787>
<http://www.intellectualconservative.com/2007/04/25/trita-parsi-bob-ney-and-iran%e2%80%99s-oil-mafia-penetrating-the-us-political-system/#respond>

یاورقی ها:

- 1- <http://mizannews.com/default.asp?aid=208>
- 2- <http://www.iht.com/articles/2006/01/19/opinion/edebadi.php>
- 3- http://shirzad.ir/2007/03/post_71.html
- 4- http://www.mokran.org/page.php?page=00165&parent_id=2&sub_id=&sub2_id
- 5- <http://www.mojahedin-enghelab.org/ShowItem.aspx?ID=322&p=2>
- 6- <http://www.isis-online.org/publications/iran/iranimages.html>
- 7- http://www.mokran.org/page.php?page=00165&parent_id=2&sub_id=&sub2_id
<http://www.isis-online.org/publications/iran/crossroads.html>
- 8- <http://www.iaea.org/worldatom/Documents/Board/2003/gov2003-40.pdf>
http://www.armscontrol.org/act/2003_07-08/iaea_julaug03.asp
- 9- <http://www.aftabnews.ir/vdccko0ytf0xk.html>
- 10- The Brookings Institution, Saban center, 11.23.2004
- 11- November 1, 2005, Director German Institute for International and The Brookings Institution
- 12- The Brookings Institution, Saban center, 11.23.2004
- 13- Kenneth M. Pollack , Council on Foreign Relations, November 8, 2004,
- 14- *Chicago Tribune*, December 15, 2004
- 15- <http://www.campaigniran.org/casmii/index.php?q=node/2038>
- 16- http://jadnews.persianblog.com/1384_11_jadnews_archive.html
- 17- <http://raha.gooya.name/politics/archives/036117.php>
- 18- <http://www.tik.ir/display/?ID=31308>
- 19- <http://mazrooei.ir/cat1/>
http://www.bbc.co.uk/persian/business/story/2006/08/060830_pm-ka-petrol-import.shtml
<http://news.gooya.com/columnists/archives/058755.php>
<http://www.rferl.org/featuresarticle/2007/01/DC93E2C3-0923-4575-84E9-808C49EEB513.html>
- 20- *Survival*, The International Institute for Strategic Studies, vol. 46, no. 4, Winter 2004
- 21 - <http://news.gooya.com/politics/archives/042223.php>
- 22- http://jadnews.persianblog.com/1384_11_jadnews_archive.html